



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۷۶	تاریخ	۱۴۰۳/۱۱/۱۵
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل سوم: استدلال به سیره				
عنوان ۵	اشکال رادعیت آیات ناهیه از عمل به ظن از سیره عمل بر خبر واحد				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

بحث در این بود که آیا آیات ناهیه از عمل به ظن، می توانند رادع سیره عقلا بر حجیت خبر واحد باشند یا خیر. این مسئله پس از بحث در مورد استدلال به سیره عقلا بر حجیت خبر، مطرح شد. استدلال اینگونه بود که این سیره عقلایی، حجیت ندارد، زیرا مردوع عنها است و این ردع به وسیله آیات ناهیه از عمل به ظن - مانند: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»^۱ - صورت گرفته است.

چنانکه گفته شد سه اسلوب در پاسخ از این اشکال ارائه شده است. اسلوب مرحوم آقای صدر رحمته الله و مرحوم میرزای نائینی رحمته الله بیان شدند. اکنون به بررسی اسلوب سوم، یعنی اسلوب صاحب کفایه در پاسخ به اشکال رادعیت آیات از سیره بر حجیت خبر واحد می پردازیم.

روش سوم: بیان مرحوم آخوند رحمته الله در پاسخ به اشکال

مرحوم صاحب کفایه معتقدند که آیات نمی توانند رادع سیره باشند؛ زیرا این رادعیت، مستلزم دور است. تقریب این دور، به این صورت است:

لا يكاد يكون الردع بها إلا على وجه دائر وذلك لأن الردع بها يتوقف على عدم تخصيص عمومها أو تقييد إطلاقها بالسيرة على اعتبار خبر الثقة وهو يتوقف على الردع عنها بها وإلا لكانت مخصصة أو مقيدة لها كما لا يخفى^۲؛

۱. سورة يونس: ۳۶.

۲. كفاية الاصول؛ ص ۳۰۳.

ردع به وسیله آن [آیات]، تحقق نمی یابد مگر به وجهی صورت دوری و این بدان سبب است که بازدارندگی به وسیله آیات، متوقف است بر عدم تخصیص عموم آن و یا تقیید اطلاق آن به وسیله سیره بر مبنای اعتبار خبر ثقه. و این متوقف است بر بازدارندگی از عمل به سیره به وسیله آیات. وگرنه [سیره] تخصیص زننده یا مقیدکننده ی آن [آیات] خواهد بود، همانطور که مخفی نیست.

ردع به وسیله این آیات متوقف بر عدم تخصیص عمومیت و اطلاق آیات به وسیله سیره است. به این معنا که اگر بخواهد این آیات رادع از سیره بر حجیت خبر باشند، باید این آیات به وسیله خود سیره، تخصیص نخورده باشند. آیات می گویند عمل به ظن حجت نیست و این شامل هر ظنی می شود؛ اما سیره، یک ظن مخصوص، یعنی ظن خبری را حجت قرار داده است. اگر سیره، مخصص آیات باشد و حجیت خبر به وسیله این سیره از تحت آیات خارج شده باشد - یعنی ظن خبری از تحت آیات ناهیه از عمل به ظن خارج شده باشد - دیگر این آیات رادع از این سیره نخواهند بود. پس رادعیت آیات، متوقف بر عدم مخصصیت سیره است. به عبارت دیگر، اگر آیات بخواهند رادع از حجیت خبر ثقه باشند، این امر متوقف بر عدم مخصصیت سیره نسبت به آیات است. از طرفی، عدم مخصصیت سیره، متوقف بر رادعیت آیات است. به این صورت که اگر سیره بخواهد مخصص نباشد، باید آیات رادع باشند. بنابراین، رادعیت آیات از سیره، متوقف بر این است که سیره مخصص نباشد. و اگر سیره بخواهد مخصص آیات نباشد، باید آیات رادع باشند.

پس رادعیت آیات از سیره، متوقف بر آن است که سیره، مخصص آیات نباشد و اگر سیره بخواهد مخصص آیات نباشد، باید آیات رادع از این سیره باشند. این دور است. بنابراین، چون دور پیش می آید، رادعیت آیات برای ما ثابت نمی شود. رادعیت آیات وقتی ثابت می شود که ما علم به رادعیت پیدا کنیم. عدم علم به وجود رادع، کافی در حجیت سیره است و عدم رادع واقعی لازم نیست. همین عدم علم به وجود رادع، در اثبات حجیت سیره و در نتیجه، اثبات حجیت خبر واحد کافی است.

خلاصه بیان مرحوم صاحب کفایه در جواب از اشکال رادعیت آیات از سیره بر حجیت خبر واحد، این شد که اگر آیات بخواهند رادع باشند، دوری می شود. وقتی دوری شد، بنابراین ما می دانیم که آیات نمی توانند رادع باشند. همین کافی است. همین که آیات نتوانند رادع باشند، ثابت می شود که این سیره، سیره ای نیست که ما علم به وجود رادع از آن داشته باشیم؛ بنابراین، سیره حجت است. چون سیره عقلایی که علم به مردود بودن آن وجود نداشته باشد، حجت است. حاصل این استدلال این است که با توجه به دوری که پیش می آید، علم به رادعیت سیره حاصل نمی شود.

این تقریر، بر این پایه استوار است که رادعیت سیره، متوقف بر این است که ما علم به این رادعیت داشته باشیم، نه رادعیت واقعی. به عبارت دیگر اگر بخواهد سیره حجت نباشد، ما باید علم به این رادعیت پیدا کنیم و چون رادعیت دوری است، علم به رادعیت نداریم و همین کافی است در اینکه سیره همچنان حجت باشد.

تقریر محقق اصفهانی رحمته الله علیه از بیان مرحوم رحمته الله علیه

تقریری که محقق اصفهانی رحمته الله علیه از فرمایش صاحب کفایه دارند رحمته الله علیه، با این تقریری که بیان شد، متفاوت است. مرحوم محقق اصفهانی بیان دیگری در توجیه حرف صاحب کفایه دارند. بیان ایشان این است که رادعیت آیات چون مستلزم دور است، پس رادعیت آیات از سیره محال خواهد بود. از طرفی، سیره اگر بخواهد مخصص آیات باشد، باز هم محال

است؛ چون مستلزم دور است. رادعیت آیات متوقف بر عدم مخصصیت سیره نسبت به آیات است؛ یعنی سیره باید مخصص نباشد تا آیات رادع باشند. اگر سیره مخصص بود - یعنی اگر سیره حجیت خبر واحد را از تحت آیات ناهیه از عمل به ظن خارج کرده بود - دیگر این آیات رادع از این سیره نخواهند بود. پس رادعیت آیات، متوقف بر عدم مخصصیت سیره است. اگر سیره بخواهد مخصص نباشد، این آیات را باید رادع باشند. پس هم مخصصیت سیره محال است، هم رادعیت آیات محال می شود، چون دور وجود دارد و هر دو طرف دور، محال می شوند. بنابراین، صاحب کفایه می خواهد بگوید که در اینجا آیات نمی توانند رادع باشند؛ نه به دلیل دوریت، بلکه به دلیل استحاله. عبارت دیگر، محال است که آیات، از سیره بر خبر واحد رادع باشند.

نکته در این تقریر، استحاله است؛ یعنی چون محال است که آیات، نسبت به سیره بر حجیت خبر واحد رادع باشند، پس استحاله رادعیت ثابت می شود. این تقریری است که مرحوم محقق اصفهانی از فرمایش صاحب کفایه ارائه می دهد. تفاوت این دو تقریر این است که در تقریر اول، رادعیت آیات متوقف بر علم به رادعیت بود؛ یعنی سیره، هنگامی مردوع عنها می شود که علم به وجود رادع وجود داشته باشد. و همین که این رادعیت دوری شود، دیگر علم به ردع وجود نخواهد داشت. اما در تقریر محقق اصفهانی، مسئله، استحاله است؛ به این معنا که رادعیت محال است.

بر مبنای تفسیر اول که ما بیان کردیم، احراز عدم رادعیت لازم نیست؛ بلکه همین که وجود رادع احراز نشود، کافی است؛ زیرا همانطور که در گذشته بیان شد، اگر سیره، یک سیره عقلایی راسخه باشد، باید رادع آن چنان روشن و قوی باشد که بتواند رادعیت از سیره عقلایی را داشته باشد. اگر شارع بخواهد این سیره را رد کند، باید با یک بیان قوی و روشن این کار را انجام دهد. نتیجه این بیان، این است که عدم احراز کفایت می کند.

اما ممکن است کسی بگوید به احراز عدم ردع یعنی احراز امضا نیاز است که در این صورت بنابر تقریب مرحوم اصفهانی، احراز عدم ردع از سیره ثابت می شود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین